

در خاطرات مصطفی امامیان، می‌توان روزگار گذشته محله فردوسی را بازسازی کرد

کشاورزی در زمین‌های «قلعه بالا»



مرحوم پدرم، حاج غلامرضا، کشاورز ارباب این محدوده (حاج سید عیسی مشار) بود. آن زمان همه اهالی که ۳۵ خانوار می‌شدند، درده قلعه بالازندگی می‌کردند. همه این محدوده یک سندداشت به شماره ۱۲۷ اسلامیه که در زبان مردم محلی، کل آن «قلعه بالا» خوانده می‌شد.



ایستگاه
اول

فاطمه‌شوشتری ادفتر کارآقاصطفی این روزهادرست در جایی قرار دارد که روزگاری پدر کشاورزش بذرگندم، جو و چند روزه از زندگی می‌گردند و این زمین هام محل کشاورزی شان بود. «اسلامیه» در این قلعه زندگی می‌گردند و این زمین هام محل کشاورزی شان بود. حاج مصطفی آن سال ها پس از این قلعه بالا بود که کار اصلی اش، کاشت و برداشت گندم و جوزمین‌های اربابی و بدرش بود. روزهایی که تا چشم کار می‌کرد، اسلامیه را زمین‌های زراعی پوشانده بود که قوت‌شان بند آب کشف رود بود.

حال‌گاه دیگر از قلعه بالای اسلامیه فقط دیوار کاهگلی چندخانه باقی مانده و در زمین‌های زراعی هم خانه و خیابان سبزشده است. مصطفی امامیان، مارا با خاطراتش به روزهایی می‌برد که نشان می‌دهد قلعه بالای سرسیز چطور خراب و زمین‌های کشاورزی اش خشک و تبدیل به شهر شد و این روزهای بنه نام محله فردوسی تابلو خورد است.

کارمان کشاورزی و کاشت گندم، جو و چند روزه از زندگی می‌گردند. من و پدرم مثل همه کشاورزهای اسلامیه بالاخاک کهند دژ خاک می‌آوردیم و روی زمین‌های زراعی مان می‌ریختیم. کهند دژ خاک حاصلخیز خوبی داشت و محصول مان بیشتر می‌شد.



ایستگاه
دوم

با کم شدن آب و خرابی خانه‌های کاهگلی مان، خانه‌های جدید را سال ۱۳۵۲ در زمین‌های کشاورزی مان در اسلامیه ساختیم. آن زمان وسط همین کوچه فردوسی، جوی آب امرغان جاری بود که آب پرفشارش، بچه پنج شش ساله را با خودش می‌برد و ما هم در کودکی جرئت رشد ندان ازان راند اشتیم.



ایستگاه
سوم



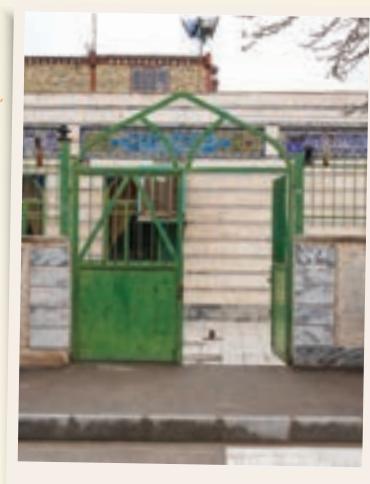
ایستگاه
چهارم

قلعه بالا یک قبرستان داشت. در سال ۱۳۴۲، «حاج سید عیسی مشار قائم مقام رضوی» که ارباب این محدوده بود، بخش دیگری از زمین‌هایش را به اهالی بخشید تا قبرستان کنند. من در کودکی اورامی شناختم و هر وقت به قبرستان می‌آیم، سرمزارش می‌روم.

ایستگاه
ششم



وقتی مردم در زمین‌های کشاورزی خانه ساختند، به پیشنهاد مرحوم ملام محمد کامل طوسی از ارباب اجازه گرفتند تا در زمینش مسجد بسازند. مشار هم اجازه داد و سال ۱۳۵۳ همه‌ها اهلی، کوچک و بزرگ، کمک هم شدند و مسجد صاحب‌الزمان (ع) ساخته شد.



با ساخت خانه‌های جدید در زمین‌های کشاورزی، به آرامگاه فردوسی نزدیک تر شدیم. آب مصرفی مان را از همین جا می‌بردیم. درست در نزدیکی در اصلی قدیم آرامگاه، شیرآبی گذاشته بودند که هر روز در صفحه‌ای استادیم و ظرف‌هایمان را پر آب می‌کردیم.